

چکیده

نظام بین المللی حقوق بشر به عنوان یکی از معیارهای جهانی شدن توسط کنوانسیون ها و معاهدات متعدد و نهادهای نظارتی مرتبط با آنها کشورهای مختلف را مورد ارزیابی قرار داده است.

جمهوری اسلامی ایران از یک طرف به عنوان عضو سازمان ملل متحد و تصویب کننده شماری از اسناد حقوق بشری متعهد به اجرای آنها می باشد و از طرف دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون اساسی و الزام به تطبیق قوانین خود با موازین اسلامی و شرعی بین برخی از تعهدات حقوق بشری و قوانین موضوعه داخلی خود دچار تعارض و اختلافاتی گشته که موجب صدور قطعنامه هایی مبنی بر محکومیت ایران شده است.

در این پژوهش سعی بر آن شده است که کنوانسیون ها و مواد قانونی حقوق بشری که در سازمان ملل متحد، ایران آنها را تصویب نموده است و گزارش هایی که ایران به کمیته های تخصصی مرتبط با آنها داده است، جمع آوری گردد.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه.....
۷	بخش اول: بررسی حقوق بشر در چارچوب کنوانسیون های بین المللی.....
۹	فصل اول: کلیاتی پیرامون مفهوم و ماهیت حقوق بشر.....
۹	گفتار اول: تاریخچه حقوق بشر.....
۱۸	گفتار دوم: تعریف حقوق بشر.....
۲۴	گفتار سوم: منابع الزام آور حقوق بشر.....
۳۴	گفتار چهارم: نسل های مختلف حقوق بشري.....
۳۹	فصل دوم: کنوانسیون های حقوق بشري.....
۳۹	گفتار اول: معاهدات عام حقوق بشر.....
۵۵	گفتار دوم: معاهدات خاص حقوق بشر.....
۶۷	گفتار سوم: معاهدات منطقه ای حقوق بشر.....
۷۶	بخش دوم: تعهدات جمهوری اسلامی ایران در قبال معاهدات بین المللی حقوق بشري.....
۷۷	فصل اول: ایران و کنوانسیون های بین المللی حقوق بشري.....
۷۷	گفتار اول: کنوانسیون های امضاء شده توسط دولت ایران.....
۸۰	گفتار دوم: کنوانسیون های مورد تصویب دولت ایران.....
۹۱	گفتار سوم: کنوانسیون هایی که دولت ایران به آنها حق شرط وارد کرده است.....
۱۰۰	فصل دوم: نتایج گزارش دهی جمهوری اسلامی ایران به نهادهای حقوق بشري.....
۱۰۰	گفتار اول: تعامل ایران با کمیته امحاء تبعیض نژادي.....

گفتار دوم: تعامل ایران با کمیته حقوق بشر	۱۰۴
گفتار سوم: تعامل ایران با کمیته حقوق کودک	۱۱۶
گفتار چهارم: گزارش اخیر ایران به شورای حقوق بشر	۱۲۶
نتیجه گیری	۱۳۹
منابع و مأخذ	۱۴۱

مقدمه

مفهوم حقوق بشر در دنیا کهنسالتر از آن است که بتوان آن را منتسب به تمدن خاص یا دوره خاصی نمود. همه مذاهب، همه کتب بزرگ حکمت و ادب از آن صحبت نموده اند. در همین ادبیات و زبان خود، هزاران کلام بدیع در دعوت به برابری و نوع دستی و ستایش آزادی و محبت و پرهیز از جنگ به بیان آورده شده است.

قدم تازه ای که در مغرب زمین در اواخر قرن هیجدهم برداشته شد این بود که حقوق بشر را تحت اصولی معین و مشخص کرد و سازمان های سیاسی کشور را طوری بیان کرد که بتوانند صیانت آن را تامین کنند. قرن هیجدهم امتیاز دیگری که داشت این بود که حقوق انسان را از مذهب جدا کرده و بشر را شایسته داشتن حقوق اولیه دانست. این حقوق در اعلامیه استدلال آمریکا برشمرده شده: «حق حیات، عشق آزاد زیستن، حق جستجوی خوشبختی». حقوق بشر در قرن نوزدهم در کشورهای صنعتی کم و بیش به کار برده شد اما نه در آمریکا فاتح تبعیض نژادی شد و نه در اروپا که بشر را به دو قسم تقسیم نمود. اروپایی و غیر اروپایی. این طرز فکر سرانجام جنگ بزرگی را برپا نمود. بعد از خاتمه جنگ دوم، حقوق بشر دوباره مطرح شد. و در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ ملت ها پایبندی خود را به آن اعلام نمودند. برای آنکه نخستین قدم در راه احیای حقوق بشر برداشته شود باید به ریشه ها و مشکلات اساسی پی برد و صمیمانه به دنبال رفع آنها بود. باید ضمانت اجراهای این حقوق را مشخص نمود و بدون هیچ جبهه گیری و جهت گیری سیاسی با سازمان ملل همکاری نمود.

وجود کشتارهای جمعی، تبعیضات نژادی، فقر، گسترش فساد و فحشاء، مواد مخدر، قاچاق انسان و نشان دهند آن است که جوامع انسانی همواره در معرض نقض ادعای حقوق بشر قرار دارند و صیانت از کرامت انسانی نیازمند ساز و کارهای عملی برای تحقق آرمان های مشترک بشریت یعنی صلح، امنیت، رفع تبعیض و احترام به کرامت انسانی است. صدور

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق هـ ۱ و پروتکل های مرتبط با ایجاد نهادهای حقوق بشری گامهایی است که جامعه جهانی در این راه برداشته است. جهانی شدن حقوق بشر چالش های جدیدی را در ابعاد ملی و منطقه ای و بین المللی فرا روی پژوهشگران در زمینه حقوق بشر قرار داده است.

در این راستا در پرتو گسترش ارتباطات و وجدان و احساس مشترک در قبال مشکلات و معضلاتی که حیات نوع بشر را به مخاطره می اندازد حساسیت و گرایش افکار عمومی نسبت به حقوق افراد انسانی افزون شده و لذا در پژوهش حاضر سعی بر آن است که الزامات و تعهداتی که دولت ها در سطح جامعه جهانی باید بدانها پایبند باشند در قالب کنوانسیون ها دسته بندی و بررسی گردد و سپس تعهداتی که ایران نسبت به این کنوانسیون ها در قبال سازمان ملل متحد و در سطح جامعه جهانی دارد آورده شود. امید است که توانسته باشم گامی موثر در شناخت و یادآوری این تعهدات انسانی برداشته باشم.

طرح تحقیق

بیان مسئله

گفتمان حقوق بشر امروزه از اهمیت بالایی برخوردار و بر عرصه های مختلف روابط و حقوق بین الملل سایه افکننده است. می توان گفت کلیه نهادهای حقوقی حقوق بین الملل همواره در اساس نامه های خود نیم نگاهی به مقوله حقوق بشر داشته اند. سازمان ملل متحد از بدو تاسیس تا کنون اسناد و معاهدات چندی را در رابطه با حقوق بشر به تصویب رسانده و کشورها را به پیوستن به کنوانسیون های حقوق بشری ترغیب نموده است. در این راستا نهادهایی به منظور نظارت بر اجرای حقوق بشر در سطح بین المللی تشکیل شده است. که این نهادها در دو دسته کلی قرار می گیرند.

دسته اول نهادهایی هستند که ریشه تاسیس آنها در منشور ملل متحد است از اینرو به آنها نهادهای مبتنی بر منشور می گویند و اهم آنها عبارت اند از کمیساریای عالی حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر و جانشین آن شورای حقوق بشر و... دسته دوم نهادهایی هستند که بر اساس معاهدات حقوق بشری بوجود آمده و نظارت بر مقررات آن معاهدات را بر عهده دارند که به آنها نهادهای معاهده ای می گویند و اهم آنها عبارت اند از کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق کودک کمیته حقوق زنان و غیره.

هر يك از کشورها که به این اسناد و معاهدات بین المللی پیوسته باشد موظف است تا طبق زمان بندی های مقرر شده در هر يك از این اسناد و معاهدات گزارشاتی را در رابطه با رعایت و ارتقاء و پیشرفت و جلوگیری از نقض هر يك از این حقوق به این نهادها تقدیم دارد. دولت جمهوری اسلامی ایران که به عنوان یکی از اعضای سازمان ملل متحد به جمعی از این اسناد و معاهدات پیوسته است در طی سال های اخیر گزارشاتی در رابطه با رعایت جنبه های مختلف حقوق بشری گردآوری و به هر يك از این نهادها تقدیم نموده است که اهم آنها گزارش ملی ایران به شورای حقوق بشر است که با توجه به آنکه این گزارش گزارشی کلی و جامع از همه ابعاد و جنبه های حقوق بشر در کشور است میتوان آن را به عنوان الگویی که معرف وضعیت حقوق بشر فعلی در ایران است مد نظر قرار داد. در این پژوهش سعی شده است پس از پرداختن به مباحث و مفاهیم اولیه حقوق بشر وضعیت حقوق بشر ایران در چارچوب گزارشات ارائه شده به نهادهای حقوق بشری (اعم از معاهده ای و منشوری) مورد بررسی قرار گیرد.

اهداف انتخاب

- فهم نظ ام بین المللی حقوق بشر مبتنی بر معاهدات، اسناد، نهادهای بین المللی در سازمان ملل متحد

- علاقمندی به موضوع و مباحث مختلف حقوق بشری
- توجه به مسائل حقوق بشری ایران و فعالیت هایی که در این زمینه صورت می گیرد.

روش تحقیق

نوع روش تحقیق هم توصیفی به سبب بیان عناصر، تاریخچه، کنوانسیون ها و معاهدات مختلف حقوق بشری و هم تحلیلی به خاطر بیان تصویب کنوانسیون ها و جزییات تصویب کنوانسیون های حقوق بشری در سطح نظام داخلی جمهوری اسلامی ایران است.

روش گردآوری اطلاعات

کتابخانه ای است. با مطالعه کتاب ها و مقالات و کنوانسیون های حقوق بشر به بررسی جنبه های حقوقی و سیاسی و تاریخی آنها پرداخته می شود. ابزار گرد آوری اطلاعات فیش های مطالعاتی از کتب مقالات و گزارشات و مراجعه به مراجع و نهادهای حقوق بشری است.

موانع تحقیق

- ۱- حساسیت سیاسی و اجتماعی خاصی نسبت به موضوع حقوق بشر در داخل کشور وجود دارد.
- ۲- مرکز اطلاعات و منابع در مورد وضعیت داخلی حقوق بشر در جراید کثیرالانتشار منتشر نشده است و بیشتر حالت محرمانه داشت.
- ۳- اختلاف نظر حقوق بین نهادهای حقوق بشری سازمان ملل و ارگان ها و افراد مسئول جمهوری اسلامی ایران در زمینه تعارض یا هماهنگی بین فرهنگ داخلی و منطقه ای با نظام بین المللی حقوق بشر وجود دارد.

سوال اصلي

با توجه به جهاني شدن حقوق بشر و روند پيوستن دولت ايران به کنوانسيون هاي حقوق بشري بين المللي دولت جمهوري اسلامي ايران تا چه حد توانسته است خود را با پروسه جهاني شدن حقوق بشر در تمامي ابعاد ان تطبيق نمايد.

سوالات فرعي

- 1- سازمان ملل متحد در زمينه کنوانسيون هاي که تصويب نموده است چه نهادهاي نظارتي را براي رسيدگي به مسائل مرتبط با کنوانسيون هاي مربوطه پيش بيني نموده است؟
- 2- تاثير تصويب معاهدات بين المللي حقوق بشري بر نظام داخلي ايران چه بوده است؟

فرضيه اصلي

با توجه به اينکه دولت جمهوري اسلامي ايران اکثر اسناد و معاهدات حقوق بشري بين المللي را به تصويب رسانده است و پيوستن به ساير کنوانسيون هايي نظير کنوانسيون امحاء همه اشکال تبعيض عليه زنان و کنوانسيون منع شکنجه را مد نظر دارد و در سال هاي اخير نهايت تلاش خود را براي تطبيق قوانين و نهادهاي داخلي با مقررات بين المللي حقوق بشري نموده مي توان گفت که ايران گامهاي مثبتي را در جهت پيوستن به روند جهاني شدن برداشته است.

فرضيه رقيب

با توجه به اینکه ایران به دو مورد از مهم ترین کنوانسیون های مهم حقوق بشری که عبارتند از کنوانسیون امحاء همه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون امحاء شکنجه تا کنون پیوسته است و به علت وجود موانع مربوط به شریعت اسلام و فرهنگ داخلی خود را به پاره ای از مقررات حقوق بشری بین المللی متعهد نمیداند به نظر میرسد که دولت نتوانسته است آن طور که باید و شاید خد را با روند جهانی شدن حقوق بشر آنگونه که باید و شاید تطبیق نماید.

سازمان دهی پژوهش

پژوهش حاضر در دو بخش کلی گردآوری شده است. بخش اول تحت عنوان بررسی حقوق بشر در چاقوب کنوانسیون های بین المللی شامل دو فصل می باشد که فصل اول به کلیاتی پیرامون مفهوم و ماهیت حقوق بشر و فصل دوم به کنوانسیون های حقوق بشری پرداخته است. بخش دوم تحت عنوان تعهدات جمهوری اسلامی ایران در قبال معاهدات بین المللی حقوق بشری شامل دو فصل می باشد. فصل اول به کنوانسیون هایی بین المللی حقوق بشری که دولت ایران به آنها پیوسته است پرداخته شده است و فصل دوم نتایج گزارش دهی جمهوری اسلامی ایران به نهادهای حقوق بشری مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش اول:

بررسی حقوق بشر در چارچوب کنوانسیون های بین المللی

ساختار و مکانیزم اصلی سازمان ملل در خصوص حقوق بشر بر اساس استقرار و ارتقاء همکاری های بین المللی تشکیل شده است . چارت سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه وین و همچنین اسناد و مدارک کنفرانس های مهم جهان تاکید بر همکاری های بین المللی و متعامل بین کشورها دارند. در بررسی اسناد و اصول همکاری های بین المللی ممکن است به این نتیجه برسیم که پیشرفت و ارتقاء حقوق بشر در هر کشوری در نتیجه اقدامات اساسی نظیر تصویب اصول حقوق بشر بین الملل می باشد. یکی از اهداف ایجاد سازمان ملل متحد، سعی در حفظ شخصیت و حیثیت انسانی بشر و کاهش اختلاف طبقاتی در جامعه بشری و در نتیجه برابری و برادری انسان هاست و در این راستا مهمترین فعالیتی که صورت گرفته است تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر و متعاقب آن چندین میثاق و قرار داد و کنوانسیون است.

فصل اول: کلیاتی پیرامون مفهوم و ماهیت حقوق بشر

حقوق بشر را به طور کلی می توان آن دسته از حقوق تعریف کرد که ذاتی طبیعت ماست و بدون آن نمی توانیم به عنوان انسان زندگی کنیم، لذا هر انسانی باید از این حقوق بهره‌مند گردد. حقوق بشر و آزادی های اساسی به ما اجازه می دهد کیفیتهای انسانی خود را به طور کامل مورد استفاده قرار دهیم و نیازهای روحی و دیگر نیازها را برآورده سازیم. از درون احساس بی عدالتی که انسان ها در هنگام مورد سوء استفاده قرار گرفتن یا نادیده انگاشته شدن انسانیتشان تجربه می کنند حقوق بشر رشد می یابد. این حقوق بر تقاضای روز افزون بشریت بر نوعی از زندگی مبتنی است که در آن شأن ذاتی و ارزش هر انسانی مورد حمایت و احترام قرار بگیرد.

حقوق بشر در زمره حقوق طبیعی است و صرفاً به این دلیل به ابناء بشر تعلق دارد که آنان انسانند. حقوق بشر مبنای هدف غایی همه فعالیت های نظام ملل متحد است. در بررسی کلی حوزه های مختلف قواعد حقوق بشر، سیر تحول تاریخی و وضع کنونی آنها مد نظر قرار می گیرد.^۱

گفتار اول: تاریخچه حقوق بشر

در سراسر تاریخ، انسان ها تلاش مداومی برای دستیابی به مجموعه رو به گسترشی از حقوق اساسی برای بیشترین تعداد ممکن از مردم داشته اند. در ابتدا و تا مدت های طولانی بشر دوستان و متخصصان حقوق بین الملل علاقمند به حفظ این حقوق بوده اند. آنان به ویژه موضوع فرد در حقوق بین الملل را مورد بحث قرار داده اند. روند توجه به مسائل حقوق بشر در طول تاریخ تحول شگرفی پیدا کرده است.^۲

^۱ - شایگان، فریده و دیگران، تقویت همکاری های بین المللی در زمینه حقوق بشر ۱۳۸۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ص ۱

^۲ - همان ص ۱۴

اندیشه حمایت از حقوق بشر از دیرباز برای ایجاد مبارزه در مقابل ظلم و ستم و بی عدالتی ه موارد مورد توجه قرار گرفته است. هدف این تلاش ها این بوده تا حداقل حقوقی برای افراد جامعه تامین شود. بنابراین قدمت حقوق بشر به پهنه تاریخ می‌رسد.^۳

آنچه که می‌توان در ابتدا بیان نمود این است که این سوال همواره می‌تواند قابل طرح باشد که تاریخ حقوق بشر از چه زمانی آغاز شده است. پاسخ به این سوال نمی‌تواند چندان دقیق باشد همچنان که برخی از نویسندگان آنرا به دو هزار سال قبل از میلاد نسبت می‌دهند. در اینجا زمینه‌های تاریخی حقوق بشر را در دوره‌های ذیل به بررسی می‌گذاریم:

مبحث اول: حقوق بشر در میراث قدما و پیش از تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر

تاریخ کهن بشریت همواره حکایت از سلطه و سیطره طبیعی و خود خواهانه افراد ضعیف دارد که حاصل آن ایجاد فرهنگ زور مداری بوده است.

قانون حمورابی که حدود ۱۷۳۰ قبل از میلاد تدوین شده، نخستین متن حقوقی نوشته‌ای است که بابیان قواعد متنوع حاکم بر روابط انسانی، می‌توان آن را با تحلیل قابل درک تاریخی کم و بیش مرتبط با حقوق بشر امروزی دانست. اما در مجموع ۲۸۲ ماده آن مشکل بتوان آنرا با اسناد حقوقی جدید مقایسه منطقی نمود. قانون حمورابی مجموعه‌اند رزهای شاهانه با محتوای لازم الاحترام بوده است. قانون حمورابی که بر روی ستونی از سنگ نوشته شده در سال ۱۹۰۲ از میان کاوش های باستان شناسی شوش بدست آمده و هم اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود. در قسمتی از این قانون نامه آمده است: «آند و بل به من که حمورابی و شاهزاده والا مقام و پرستنده خدایانم، فرمان دادند تا چنان کنم که عدالت بر زمین فرمانروا باشد، گناهکاران و بدان را براندازم، روشی را که بر زمین بگسترم و آسایش مردم را فراهم سازم»^۴

^۳ - ارفعی، عالیه و دیگران، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین المللی تهران: وزارت امور خارجه موسسه چاپ و انتشارات ص ۴

^۴ - هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی چاپ اول سال ۱۳۸۴، انتشارات میزان ص ۱۱۳.

قانون حمورابی که از ترکیب یکنواختی برخوردار نیست از ستایش خدایان آغاز می‌شود اما پس از آن رنگ دینی خارج می‌شود. در این قانون، آزاد مند شانه حقوق در کنار سخت ترین و وحشیانه ترین کیفرها قرار می‌گیرد، قانون احکام جان در برابر جان، چشم در مقابل چشم (ماده ۱۹۶)، دندان در برابر دندان (ماده ۲۰۱) از یک سو و در کنار آن روش های قضایی دقیق و حکیمانه ای که از سختی و استبداد مرد به همسرش جلوگیری می‌کند از سوی دیگر جالب توجه به نظر می‌رسد.

کوروش کبیر مؤسس سلسله هخامنشی و منشور حمورابی (۵۵۹-۵۲۹ ق.م) از جمله پادشاهانی به شمار می‌رود که نام او، در مقابله با بدی ها و اصلاح امور، در تاریخ به نیکی یاد شده و رفتار او را پیامبر گونه می‌دانند. برخی معتقدند کوروش همان ذوالقرنین مذکور در قرآن می‌باشد و خداوند به او در روی زمین قدرت بخشید و همه امکانات را در اختیارش قرار داد تا برای دادگستری گام بردارد. کوروش اعلامیه‌ای صادر نمود و فرمان داد آنرا بر استوانه‌ای نقش کنند تا همگان با مشاهده آن بدانند او اراده کرده است به مللی که تاکنون تحت ستم پادشاهان جبار بوده اند از آن پس می‌توانند با امنیت خاطر به زندگی خویش ادامه دهند. متن این فرمان را به عنوان نخستین اعلامیه حقوق بشر در تاریخ یاد می‌کنند که سلسله مآذها را برانداخته و طرحی نو در حکومت افکنده است^۵ و به قول ارسطو "کوروش کشد و خویش را از بندگی رهانیده است"^۶.

از جمله آثار باقیمانده از حقوق رم الواح دوازده گانه می‌باشد. به دنبال بی عدالتی های حکومت طبقه اعیان و اعتراض گسترده طبقه عامه برای تحصیل حقوق برابر در سال ۴۵۰ پیش از میلاد یک هیأت ده نفری برای تنظیم و تدوین این الواح دوازده گانه انتخاب شدند. گفته می‌شود این الواح شالوده پیشرفت‌هایی است که طی ۱۳ قرن از بنیاد گذاری شهر رم، حقوق رم را

^۵ - ابوکلام آزاد، کوروش کبیر، چاپ ۵ سال ۱۳۶۹ تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ص ۱۶.
^۶ - عنایت حمید، سیاست تالیف ارسطو ۱۳۴۷- انتشارات نیل ص ۲۱۳.

بهره مند ساخته است. الواح دوازده گانه مجموعه ای از قواعد اساسی برای يك جامعه ساده کشاورزی در زمینه های حقوق عمومی، خصوصی، کیفری مذهبی و نیز آیین دادرسی بر مبنای عرف و عادت است.^۷

مذهب زرتشت از قدیمی ترین مذاهبی است که از حقوق اولیه انسان در رابطه با حقوق بشر سخن گفته است با مراجعه به متون اصلی کتب زرتشتیان به خصوص گاتاها می توان به مبانی این حقوق و ریشه های آن در مذهب زرتشت پی برد چند اصل مهم در قوانین زرتشت به این شرح می باشد: آزادی اندیشه، آزادی در گزینش دین آزادی گفتار، آزادی مسکن همراه با آرامش، آزادی رفت و آمد، امنیت برای همگان و^۸

اگر با دید کلی به اهداف و فعالیت های مربوط به حقوق بشر و تعالیم و پیام های اصلی ادیان الهی بنگریم خواهیم دید این تعالیم نقش بسزایی در ترویج حقوق بشر داشته است زیرا اصولاً ادیان الهی همواره در برابر ستمکاران و قدرتمندان غاصب و ناقض حقوق انسان ظهور کرده اند و در بعد تعالیم اجتماعی خود برای عدالت و تساوی حقوق انسانها و رفع تبعیض نژادی و امتیازات طبقاتی مبارزه نموده اند. ابراهیم خلیل در برابر نمرود که مدعی خدایی است ظهور می کند و تلاش می نماید مردم را از عبادت و بندگی هم نوع خود باز دارد. موسی بن عمران در مقابل فرعون که داعیه خدایی دارد و مردم را به دو دسته ممتاز و مستضعف تقسیم کرده بود و برای دسته دوم حقوقی قائل نبود مبارزه می کند.^۹

عیسی مسیح نیز در برابر انحراف دینی و استبداد مذهبی گروهی از روحانیون یهودی قیام می کند و پیام صلح و دوستی را با خود می آورد. این تعالیم آنچنان مهم است که حتی شامل دشمنان هم می شود. پیامبر اسلام در برابر مستکبران و مشرکان قیام می کند و تعالیمات وی در

^۷ - هاشمی، سید محمد، منبع پیشین، ص ۱۱۸.

^۸ - جنیدی، فریدون، ح بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، ۱۳۶۱، تهران نشر فیروز ص ۵۳.

^۹ - مهر پور، حسین، اسلام و حقوق بشر، بهار ۱۳۷۵، سال دهم، شماره ۱، مجله سیاست خارجی ص ۲۰۴.

راستای برابری، برادری و آزادی انسانها و لغو تمایزات طبقاتی و اجرای قسط و عدالت و احقاق حقوق ضعفا است.^{۱۰}

افلاطون عدالت را انگیزه اصلی جمهوری معرفی کرد و سیسرون در این باره خطابه‌هایی آتشین ایراد نمود. کانت آزادی را نخستین فرمان عقل عملی و مرکز تمام ارزش‌های حقوقی و نقطه آغازین حقوق طبیعی دانست. هگل آزادی را هدف جهان خلقت معرفی نمود. جان لاک، روسو، واتر، هابز و دیگران هر يك به نوبه خود بر غنای این مجموعه افزودند.

دیدگاه‌های فلسفی خلقت در چهارچوب نهضت اصلاح دینی و نوزایش علمی بود که در قرن هفدهم منشاء انقلاب‌های اجتماعی دامنه دار و نیز صدور منشورهای حقوقی بشر و تصویب قوانین اساسی تضمین‌کننده این حقوق گردید. انقلابیون انگلیسی با الهام از اندیشه‌های فلسفی ملهم از حقوق طبیعی به خصوص نقطه نظرات جان لاک مبتنی بر حق حیات آزادی و مالکیت خصوصی منشور حقوق بشر خود را در سال ۱۶۲۸ تدوین نمودند. انقلابیون آمریکا نیز در سال ۱۷۷۶ اعلامیه استقلال آمریکا را تدوین کردند که به موجب آن همه افراد بشر آزاد و مستقل بوده دارای حق آزادی، حق تحصیل اموال و برخورداری از رفاه بودند. این حقوق با متمم‌های قانون اساسی در سال ۱۷۹۱ تکمیل گشت.^{۱۱}

انقلاب کبیر فرانسه نیز با خلع پادشاه از دولت مستبد و تحت اعلامیه حقوق بشر و شهروند را در سال ۱۷۸۹ در مجلس ملی فرانسه تدوین نمود. در این اعلامیه مشهور برای نخستین بار اصطلاح حقوق بشر به کار رفت و تصریح شده بود که افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از حیث حقوق برابرنند و هدف کلیه نهادهای سیاسی حفظ و نگهداری حقوق افراد یعنی مالکیت شخصی، تامین مالی و جانی، حق دفاع در مقابل ظلم و حق آزادی بیان، آزادی مذهب و

^{۱۰} - بسنه نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، ۱۳۸۰، تهران سهامی انتشار، ص ۲۳.
^{۱۱} - شریفیان، جمشید، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد ۱۳۸۱، چاپ اول تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ص ۵-۶.

مطبوعات و ... می‌باشد. بنابراین برای نهمین بار در نیمه دوم قرن ۱۸ تحت لوای مکتب لیبرالیسم مفاهیم حقوق بشر، عدالت و حیثیت بشری به صورت مدون در آمد.^{۱۲}

مبحث دوم: حقوق بشر بعد از قرن ۱۸

آنچه که امروز به عنوان حقوق بشر human Rights مطرح است برای اولین بار در اعلامیه ۱۷۸۹ فرانسه به کار رفته و بعداً در اعلامیه جهانی و میثاقین نیز به کار گرفته شده است. منتسکیو با تألیف کتاب روح القوائدین به اندیشه حقوق مدنی جان داد. برای نخستین بار در نیمه دوم قرن ۱۸ تحت لوای مکتب لیبرالیسم مفاهیم حقوق بشر عدالت و حیثیت بشری به صورت مدون در آمد کشورهای اروپایی از جمله سوئد در سال ۱۸۰۹ و هلند در سال ۱۸۱۵ نیز حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را در قوانین خود منظور نمودند.^{۱۳}

قانونگذاری حقوق بشر را می‌توان از قرن ۱۹ ردگیری نمود اما بدون تردید نظام مدرن حقوق بشر بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمد و ایده حقوق بشر از این تاریخ با پذیرشی کما بیش جهانی و با مخالفتی ناچیز، مبدل به آرمان دوران ما شد. از اوایل جنگ جهانی دوم، با اعلام آزادی‌های چهارگانه روزولت، نشانه‌هایی از دگرگون شدن وضع حقوق بشر آشکار شد که گویای تغییر آن از یک امر یکسره داخلی به مسأله‌ای بین‌المللی بود. پس از ورود آمریکا به جنگ، متفقین منشور آتلانتیک را به عنوان بیانیه‌گو یای اهداف جنگ و همچنین برنامه‌ای برای جهان پس از جنگ پذیرفتند هر چند این سند بیشتر به عنوان ابزاری برای جنگ روانی تلقی شد اما اشارت آن به مسئله حقوق بشر بسیار حائز اهمیت و نشان‌دهنده التفات و توجه دولت‌ها به مسئله حقوق بشر جهت دسترسی به صلحی ماندگار بود.

^{۱۲} - مسائلی، محمود، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، ۱۳۷۲ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ص ۴-۵.

^{۱۳} - مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، ۱۳۷۷، چاپ اول تهران انتشارات اطلاعات ص ۲۰

بیمان دمبارتن اوکس^{۱۴} (۱۹۴۴) در هشت واژه و منشور مال متحد (۱۹۴۵) در چند جمله اصطلاح حقوق بشر را به طور جدی به کار بردند. اما آن را تعریف نکردند. اولین سند جهانی در خصوص حقوق بشر (منشور ملل متحد ۱۹۴۵) متضمن تأیید و بیان مکرر «ایمان و اعتقاد بر حقوق اساسی انسان، کرامت و ارج گذاری به کرامت افراد بشر، حقوق برابر زن و مرد و حقوق ملل کوچک و بزرگ بود»^{۱۵}

قبل از سال ۱۹۴۵، متن خاصی که مبین فهرست یا تعریفی از حقوق بشر باشد تنها مربوط به اسناد موجود مربوط به تا مین برخی از طبقات خاص بود. قرار داد کاپیتولاسیون منعقد شده بین فرانسه و ترکیه در سال ۱۷۴۰ تنها مربوط به مسیحیان کشورهای اروپای در کشورهای مسلمان بود که برای آنان آزادی آیین مذهبی، تجارت و آمد و رفت تضمین شده بود. در پایان جنگ جهانی اول، عهدنامه‌های منعقد شده در سال ۱۹۱۹ بین متفقین از یک طرف و لهستان، چکسلواکی، یونان، رومانی و یوگسلاوی از طرف دیگر، اصولاً اقلیتها را مورد حمایت قرار می‌داد و بر مبنای بینش نابرابرانه بود. این امر حمایت از انسان به مقوله عضو متعلق به برخی نژادها بود که معتقد به برخی مذاهب بودند و یا آنکه به زبان خاصی صحبت می‌کردند.^{۱۶}

در سال ۱۹۴۵ سه تحول اساسی پدیدار شد:

(۱) اولین تحول عبارت از اقدام سریع برای تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر بود که با دو میثاق ۱۹۶۶ تکمیل شد. از این مجموعه گاهی تحت عنوان «منشور جهانی حقوق بشر» یاد می‌شود.

(۲) اهمیت این اعلامیه‌ها را در سال‌های ۱۹۵۰ می‌توان مشاهده نمود که نهضت منطقه‌ای حقوق بشر از طریق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ظاهر شد.

^{۱۴} - Dumbarton oaks

^{۱۵} - گلشن پژوه، محمد رضا، حقوق بشر در جهان: روندها، موردها و واکنش‌ها سال ۸۸ تهران: دانشگاه آزاد، معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم ص ۳۱-۳۰.

^{۱۶} - هاشمی، سید محمد، منبع پیشین، ص ۱۵۵.

۳) بالاخره، تدول سوم مربوط به توسعه معاهدات متعدد در زمینه حقوق بشر می باشد که در آن حمایت های موردی از حقوق بشر مورد تاکید قرار گرفته است.

در اینجا تاریخچه این اسناد را به شرح ذیل می توانیم تقسیم نماییم:

الف) اعلامیه جهانی حقوق بشر: این اطلاعیه ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ با ۴۸ رای موافق و ۸ رای ممتنع به صورت قطعنامه به تصویب رسید. این اعلامیه شبیه اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ و حتی دقیق تر و کامل تر از آن بود. می توان گفت اعلامیه مزبور یک نقطه عطف تاریخی در مورد انسانیت، منشور آزادی برای ستمدیدگان و قربانیان استبداد و بیان کننده محدودیت هایی است که دولت باید از عبور و تجاوز در روابط با فرمانبرداران خودداری کند.

ب) میثاق های بین المللی حقوق بشر: با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر ارزش و اعتبار حقوقی الزام آور نداشت، محتوای آن به صورت معاهده و در دو میثاق در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که عبارتند از: «میثاق بین المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی» مرتبط با قسمت اول اعلامیه) و «میثاق بین المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (مرتبط با قسمت دوم اعلامیه)، این دو میثاق از سال ۱۹۷۶ قابل اجرا می باشد.

ج) کنوانسیون های مختلف حقوق بشری: بسیاری از کنوانسیون ها با هدف حمایت از قشر خاصی از افراد تدارک دیده شده است. این کنوانسیون ها توسط سازمان های مهم بین المللی (سازمان ملل متحد، سازمان بین المللی کار، یونسکو و خصوصاً شورای اروپا) تهیه شده و مجموعه کاملی از موضوعات متنوع حقوق بشری را تشکیل می دهد. این موضوعات عبارتند از اسیران جنگی (کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹) منع بردگی (کنوانسیون ۱۹۳۶ و پروتکل ۱۹۶۳) منع کار احمای (کنوانسیون های ۱۹۵۷ و ۱۹۷۰ سازمان بین المللی کار) آزادی سندیکایی (کنوانسیون های ۱۹۵۱ سازمان بین المللی کار) حمایت از نمایندگان کارگر در

کارگاهها(کنوانسیون های ۱۹۷۳ سازمان بین المللی کار) م بارزه علیه تبعیض در زمینه آموزش(کنوانسیون ۱۹۶۰ یونسکو) د مایت از زنان و تقویت حقوق آنها(کنوانسیون حقوق سیاسی زنان ۱۹۵۳) حمایت از کودکان(کنوانسیون سازمان ملل ۱۹۸۹). سازمان بین المللی کار نیز تاکنون بیش از ۱۶۰ کنوانسیون مبتنی بر بهبود شرایط کار دیگر حقوق و آزادی های کار را تصویب نموده است.^{۱۷}

آنچه که بدان اشاره شد تنها چند نمونه بود. به راحتی می توان بین تورم کنوانسیون های بین المللی و تاثیر ضعف این متون رابطه برقرار نمود. با وجود این، نمی توان این حقیقت را نادیده گرفت که يك تغيير كامل اجتماعي در مقایسه با سال های قبل از ۱۹۴۵ به وجود آمده است. از طرف دیگر، نگرانی نسبت به نمونه های عینی وضعیت کودکان، زنان و مردان گرفتار جنگ، تبعیضات، مشکلات مربوط به شرایط زندگی و کار در دهه های اخیر حکایت از زمینه سازی هایی برای رفع این نگرانی ها از طریق کنوانسیون های متعدد بین المللی می کند.

فهرست کامل حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و تحولات سیاسی و بین المللی و پایان دوره جنگ سرد در وین اصول جدیدی را در مورد حقوق انسانها در دوره جدید تدوین نمود. در نهایت در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ اعلامیه و برنامه عمل وین در ۳۹ بند به انضمام يك برنامه به تصویب نمایندگان ۱۷۱ دولت رسید. اعلامیه و برنامه عمل وین نمایانگر آغازی از تجدید تلاش برای تقویت نهادها و اجرای هر چه بیشتر اسناد حقوق بشر است که بر بنیان جهانی حقوق بشر از سال ۱۹۴۸ بوجود آمده اند.^{۱۸}

^{۱۷} - هاشمی، سید محمد، منبع پیشین، ص ۱۵۵.
^{۱۸} - گلشن پژوه، محمدرضا، منبع پیشین ص ۴۸-۴۷.